



جهادگر تهرانی از مدرسه «اشتغال جهت احسان» می‌گوید

## تربیت جهادگران نخبه در دل سیستان و بلوچستان



می‌دهد و در نهایت خودش را تکثیر می‌کند. راهکاری که او و تیم همراهش برای تولید پرورش مراجع اجتماعی در پیش گرفته‌اند، در قالب مدرسه «اشتغال جهت احسان» رخ نشان داده است. یوسفی درباره این مدرسه که از اواسط مهرماه امسال فعالیت خود را آغاز کرده است، توضیح می‌دهد: این ایده را سال ۱۳۹۸ مطرح کردم و تا امروز پیگیریش بوده‌ام. ما در حوزه انسان و پرورش انسان بسیار فقیر هستیم و همین باعث می‌شود تکثیر افراد فعال و کنشگر به کندی صورت بگیرد. مادر کارهای بزرگ معمولاً تنها هستیم و نمی‌توانیم کارهای بزرگ بکنیم، چون تکثیر نشده‌ایم و آدم مناسب

نمای نزدیک

### فقر فرهنگی زیاد است

باید پذیرفت که خیلی از ما شعار محرومیت‌زدایی می‌دهیم، اما کمتر کسانی هستند که به قول معروف پاشنه کفش خود را در بکشند و یا به میدان بگذارند. جهادگر بی‌ادعای سیستان و بلوچستان معتقد است: یک دسته از افراد، درباره مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور و مناطق محروم فقط نمی‌زنند. در حد بضاعتشان کار می‌کنند که من سعی کردم در دسته دوم قرار بگیرم. سیستان و بلوچستان عرصه خیلی سختی است؛ هم مردمان شریفی دارد، هم مشکلات زیادی. متأسفانه در دوره‌های اخیر ما دچار تغییر فرهنگ شده‌ایم، البته این پدیده است و به میزان مختلف در تمام استان‌ها به چشم می‌خورد. منظورم از تغییر فرهنگ هم فقر فرهنگی است. ما در مناطق محروم با یک فقر فرهنگی روبه‌رو هستیم، همین باعث می‌شود مردم به سمت مطالبه‌گری نروند. گویا بعد از مدتی برای بیرون رفتن از این محرومیت‌ها تلاش نمی‌کنند و فکر می‌کنند این قناعت است. یوسفی درباره استمرار محرومیت‌ها در این استان می‌گوید: چون دولت‌ها چهار ساله هستند و ساختارها انقدر نماند نیست که دولت‌های مختلف در امتداد هم یک کار منسجم را انجام دهند، کارها به سرانجام نمی‌رسد. هر کسی دنبال این است که برای چهار سال دوم گزارش بدهد تا دوباره رای بیاید. تغییرات لازم هم یکی دو ساله ممکن نیست. خیرین هم یا صبور نیستند یا نمی‌توانند بعضی دردها را بپذیرند. وقتی بخواهید در مناطق محروم تغییر ایجاد کنید، مسئولیت بر گردن تان می‌افتد. خیری می‌گوید، من فلان مقدار پول می‌دهم یا فلان ساختمان را می‌سازم، به موضوع دیگری هم کار ندارم حق دارند، خیلی‌هایشان انقدر گرفتاری دارند که نمی‌توانند وقت خودشان را در مناطق محروم صرف کنند. خیلی دغدغه‌مند باشند، مبلغی پول می‌دهند و می‌روند. شخص، سازمان یا ارگانی نداریم که ۲۰-۱۰ (سال در یک منطقه فعالیت پایه‌ای و اصولی کند.

با آن کار نداریم. آدم‌هایی را نداریم که با تفکر ما کنارمان رشد پیدا کنند. بر همین اساس ایده «مدرسه اشتغال» به ذهن او خطور می‌کند. مدرسه اشتغال سعی دارد کم‌کاری مدارس و دانشگاه‌ها را جبران کند. نتیجه دانشگاهی که امروزه داریم، چیست؟ افراد متوقعی که به صورت تخصصی هیچ



«وقتی خانواده محرومی را که توی کپسور و خانه خراب زندگی می‌کنند ببینی، دیگر نمی‌توانی به این راحتی غذا بخوری، نمی‌توانی راحت بخوابی، نمی‌توانی در ماشینت این مردم! اینها بخشی از حرف‌های جواد یوسفی است که حدود هفت سال است با خانواده‌اش ساکن سیستان و بلوچستان شده است تا در رفع مشکلات موجود، همراه مردم این منطقه باشد؛ جهادگری که در میدان کار و خدمت حضور دارد و به روستاهای زیادی سرزده و به وضعیت‌شان رسیدگی کرده است و حالا پس از سال‌ها تجربه و فعالیت طرح‌ها و ایده‌های یکی یکی به نتیجه می‌رسند و او می‌تواند تشریح تلاش‌ها را با

یوسفی یکی از فعالان مردمی و جهادی سیستان و بلوچستان است؛ کسی که پروژه‌های زیادی را برای محرومیت‌زدایی در این منطقه به اجرا درآورده و حالا پس از چند سال، افتتاح یکی از مهم‌ترین پروژه‌هایش یعنی مدرسه «اشتغال جهت احسان» مثل چراغی پر نور در دل شب‌های تاریک می‌درخشد. او متولد ۱۳۵۷ در تهران است و خود را غمخوار هموطنان محروم‌ش در مناطق مختلف و به خصوص سیستان و بلوچستان می‌داند. خودش در مورد تصمیم و نحوه‌ی زمزمه‌ها به سمت سیستان و بلوچستان می‌گوید: خرداد سال ۱۳۹۶ بود که با نیت محرومیت‌زدایی، دست‌زین و چرخه را گرفتم و از تهران عازم سیستان و بلوچستان شدم. من به خاطر کارهای مختلفی که انجام داده‌ام، دوسه بار ایران را چرخیده‌ام و ظرفیت‌ها و مشکلات کشور را می‌شناسم. با توجه به همین شناخت بود که فهمیدم چرخ پیشرفت و توسعه در مناطق محروم لنگ است. همچنین فهمیدم نقد کردن هم‌فایده‌ای ندارد و جز اینکه سر خودت و بقیه وارد دلبیاری، کاری از پیش نمی‌بری. یک جایی باید دل به میدان زد، چون حرف زدن و نقد کردن، وقتی خودت در میدان نباشی، بی‌فایده است، بنابراین با اتکا به تجربه‌هایی که در نیشابور، کرج و چندین شهر دیگر داشتم، رزمه‌های برای یکی از ارگان‌ها نوشتم و گفتند دوست دارم در این استان فعالیت کنم. آنها هم استقبال کردند و حضور من در سیستان و بلوچستان شروع شد.

تجربه ثابت کرده است باید در مناطق محروم چند الگوی صحیح ساخته شود تا آنها در جامعه محلی تکثیر شوند و مسیر توسعه را برای سایر مردم باز کنند. آنطور که یوسفی می‌گوید: اگر الگوی درست ایجاد کنی، خانواده‌ها می‌بینند که مثلاً یک نفر در روستا اوضاع خانوادگی‌اش مدام بهتر می‌شود، اوضاع فرهنگی‌اش بهتر می‌شود، بچه‌هایش باسواد شده‌اند، هوای همه را دارد، به دیگر دامادان مشورت می‌دهد، این آدم در چشم مردم بزرگ و تبدیل به الگو می‌شود. روستائیشان در مجاورت باهم، با گفتن نامی، این تجربه موفق را منتقل می‌کنند و این مدل تکثیر می‌شود تا جایی که توسعه استان به صورت پایدار و مستمر شکل می‌گیرد.

«مرجعیت اجتماعی» ایده دیگری است که جهادگر داستان ما در سیستان و بلوچستان آن را دنبال می‌کند. در نظام فکری او این ایده، یک پله بالاتر از «الگوی اجتماعی» قرار می‌گیرد و نقشی تعیین‌کننده در توسعه مناطق محروم خواهد داشت. خودش می‌گوید: مرجع اجتماعی چیزی فراتر از الگوی اجتماعی است. مرجع اجتماعی کسی است که در منطقه ساکن می‌شود تا مردم آن منطقه را رشد دهد و کمک‌شان کند. دغدغه‌اش صرفاً حوزه اقتصادی نیست، بلکه معتقد است باید حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی را هم تغییر و رشد دهد. این کسی است که تحول مردم، بساط شادی و انرژی او را جور می‌کند. من از خوشحالی مردم خوشحال می‌شوم. تولید این مراجع اجتماعی خیلی کار سختی است؛ اگر شما برای ایجاد یک الگوی اجتماعی ۱۰ سال وقت می‌گذاری، برای ایجاد یک مرجع اجتماعی باید ۲۰ سال وقت بگذاری. آن مرجع اجتماعی، متحول کننده جامعه اطراف خودش است، یعنی نه تنها الگوست که دغدغه‌اش نجات آدم‌هاست. مرجع خودش سراغ مردم و جامعه محلی می‌رود، مطالبه‌گری می‌کند، نقد‌هایی را می‌گوید، تغییر

فرایند جذب دانش‌آموزان، طی یک کار علمی و تخصصی انجام شده است. درس‌هایشان در طول سال کاملاً عملیاتی است. مثلاً اگر آموزش کار گلخانه‌ای داریم، دانش‌آموز را به یک گلخانه واقعی می‌بریم و در آنجا به او آموزش می‌دهیم. با این روش بچه‌ها تمام ریسک‌ها و خطاها را به چشم خود می‌بینند و تجربه می‌کنند. در حقیقت فضای ایجاد می‌کنیم که دانش‌آموز بعد از اتمام دوره بتواند صفر تا صد مدیریت تخصصی را که می‌آموزد، انجام دهد

شعبه اول این مدرسه در زاهدان است و او امید دارد به زودی در سایر شهرها نیز تأسیس این مدارس انجام شود تا مسیر توجیه به دغدغه‌های اجتماعی و به ثمر رساندن استعدادها و نوجوانان سیستان و بلوچستانی گسترش بیشتری پیدا کند؛ ما در این مدرسه سعی می‌کنیم در کنار آموزش تخصص و ایجاد تجربه کاری، روی هویت آنها هم کار کنیم. دانش‌آموزی که در مدرسه اشتغال درس می‌خواند، در نهایت یک نیروی متحول کننده مسلمان دغدغه‌مند بار می‌آید. کسی که نه تنها تخصص دارد، بلکه اخلاق و هویت هم دارد. به ارزش‌های ملی و میهنی خودش هم باورمند است. این فرد کسی است که می‌تواند الهام‌بخش جامعه محلی باشد و چرخ توسعه استان را بچرخاند.

تا امروز روی مدرسه اشتغال جهت احسان حدود ۱۸ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری شده است، یعنی ۴۵۰ میلیون تومان برای هر دانش‌آموز طی سه سال! مبلغی که به کمک نیکوکاران و خیران فراهم شده و ارگان یا نهادهای از آن حمایت مادی یا معنوی نکرده است.

یوسفی از تمام نیکوکارانی که در این مسیر با ایده‌ها و همراهی کرده‌اند، تشکر می‌کند و درباره اهمیت این مدرسه و نحوه کار آن می‌گوید: شما اگر به بهترین دبیرستان‌های تهران هم بروید، این عددها را نمی‌بینید. چرا به اینجا رسیده‌ایم؟ چون محتوای مدرسه را خودمان تولید می‌کنیم. هم محتوای تخصصی و هم محتوای هویتی و فرهنگی. آموزش‌های این مدرسه را با جدیدترین روش‌های روز پیش برده‌ایم، مثلاً یکی از برنامه‌های این مدرسه، تفکر سنجش گر است. تفکر سنجش گر، یعنی تمام ارجاع دانش‌آموز باید به کتاب باشد، پس باید کتابخوانی را در اولویت بگذارند، باید نوبسندگی را یاد بگیرند، باید اهل مباحثه و گفت‌وگو باشند. الان بسیاری از دانش‌آموزان در مناطق محروم استان سیستان و بلوچستان با اینکه پایه هفتم هستند، هنوز نوشتن بلد نیستند، خواندن بلد نیستند، حتی بلد نیستند که کلامی با یک نفر حرف بزنند و ارتباط بگیرند. ما در این مدرسه نیروهای پرورش می‌دهیم که معجز به کلام و کلمه باشند و بتوانند با جامعه خودشان ارتباط برقرار کنند.

۴۰ دانش‌آموز نخبه و جهادگر مدرسه «اشتغال جهت احسان» ۴۰ دانش‌آموز دارد و جهادگر عرصه فرهنگ و هنر ایران با بیان اینکه ساز و کار خاصی برای بورسیه این دانش‌آموزان در نظر گرفته شده و به رغم اینکه مدرسه غیرانتفاعی است، شهریه‌ای از آنها دریافت نمی‌شود. یوسفی می‌گوید: برای جذب دانش‌آموزان اردها و برنامه‌های متعددی برگزار کرده‌ایم. برای اینکه هزینه‌های کمتری داشته باشیم، همان ابتدای کار مؤلفه‌هایی را در نظر گرفته‌ایم و سختگیری‌های خاصی روی انتخاب افراد داشته‌ایم. مثلاً مدل شخصیتی فرد را بررسی کرده‌ایم، چند تست روان‌پزشکی گرفته و با انجام بازی‌های مختلف شخصیت آنها را بررسی کرده‌ایم. فرایند جذب دانش‌آموزان، طی یک کار علمی و تخصصی انجام شده است. درس‌هایشان در طول سال کاملاً عملیاتی است. مثلاً اگر آموزش کار گلخانه‌ای داریم، دانش‌آموز را به یک گلخانه واقعی می‌بریم و در آنجا به او آموزش می‌دهیم. با این روش بچه‌ها تمام ریسک‌ها و خطاها را به چشم خود می‌بینند و تجربه می‌کنند، نه اینکه یک نفر برای آنها تعریف بچه‌ها را همان ابتدا در روند عملیاتی آنچه می‌آموزند حضور دارند و به صورت واقعی کار را یاد می‌گیرند. در حقیقت فضایی ایجاد می‌کنیم که دانش‌آموز بعد از اتمام دوره بتواند صفر تا صد مدیریت تخصصی را که می‌آموزد، انجام دهد. این مدرسه بعد از آموزش، دانش‌آموزان خود را تنها نمی‌گذارد، بلکه به عنوان سنجش‌دهنده شغل‌شان در کنار آنهاست؛ اگر دانش‌آموزی از مدرسه با نمرات بالا فارغ‌التحصیل شود، شغل او از سمت ما تضمین می‌شود. کمک می‌کنیم که سسر کار برود یا شغل خودش را راه بیندازد. ضمناً باید بگویم اگر چه برای دانش‌آموزان مدرسه ۴۵۰ میلیون هزینه می‌کنیم، اما دوره را طوری برنامه‌ریزی کرده‌ایم که خود بچه‌ها در دوره تحصیل برای مدرسه درآمد ایجاد می‌کنند، یعنی عملاً شهریه‌شان را برمی‌گردانند. اینگونه شخصیت و عزت‌نفس بچه‌ها هم حفظ می‌شود و فکر نمی‌کنند که کسی به آنها صدقه داده است، این یک بازی برد-برد است.

این فعال اجتماعی محصول نهایی مدرسه اشتغال را تولید مراجع اجتماعی می‌داند که به واسطه داشتن تخصص و تعهد به صورت توان‌ان و از همه مهم‌تر شناخت جامعه محلی، می‌توانند موتور توسعه مناطق محروم را روشن کنند. او می‌گوید: این ایده کمک به محرومیت‌زدایی در مناطق محروم است. مدرسه، مراجع اجتماعی تربیت می‌کند که می‌توانند متحول کننده جامعه محلی باشند. با آدم‌های معمولی نمی‌توان این چشم‌کار را پیش برد. دانش‌آموزی که از مدرسه اشتغال چشم‌کار احسان فارغ‌التحصیل می‌شود، بچه مسلمانی می‌شود که در عین تخصص، تعهد و اخلاق هم دارد. تلاش ما این است که در مدرسه اشتغال، چنین کسانی را برای کشور تربیت کنیم.

سر هفتک حسن رضایی مسئول قرارگاه بسیج سازندگی سیاه فتح

### یاسوج با کمک «بسیج» شهر هوشمند می‌شود



آنطور که مسئولان استان عنوان کرده‌اند برای هوشمندسازی شهر یاسوج تعداد ۴۰۰ استون نیاز است. به دلیل گستردگی خدمات پیش‌بینی شده در این طرح، پروژه ستون‌های هوشمند در سطح ملی مطرح شده و در صورت اجرای موفق در یاسوج، این طرح در کشور نیز اجرا خواهد شد. طرح ستون‌های هوشمند خدمات گسترده‌ای به همراه دارد که روند اجرای آن در بحث جانمایی کارگاه تولید ستون‌های هوشمند با حمایت بسیج سازندگی سیاه فتح انجام شده اما مرحله صنعتی سازی آن نیازمند مساعدت دستگاه‌های اجرایی است که امید می‌رود با توجه به خدمات گسترده و سودآوری این طرح، شهرداری، فرمانداری و سایر دستگاه‌های خدمات‌رسان حمایت لازم را داشته باشند.

در مجموع باید گفت این طرح پروژه عظیمی است که از نظر پدافندی نیز مورد تأیید قرار



گرفته است، بنابراین همکاری دستگاه‌ها در عملیاتی کردن آن ضروری خواهد بود. مسلماً این طرح موجب شکوفایی شهر یاسوج در زمینه هوشمندسازی خواهد شد. به دلیل حجم بالای کار، ابتدا ستون‌های هوشمند در یکی از مناطق شهر یاسوج به عنوان پایلوت اجرا می‌شود و در صورت صحت‌سنجی و رضایت‌مندی نسبت به نصب گسترده اقدام خواهد شد. در اجرای این طرح از سوی بسیج باید گفت که پایش تصویری یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های شهرداری است. با توجه به خدمات متنوع ستون‌های هوشمند، اجرای این طرح در شهر یاسوج می‌تواند راهگشا باشد و شهرداری یاسوج نیز از ارائه هر گونه خدمات جهت اجرای این پروژه کوتاهی نخواهد کرد.

طرح‌ها و ایده‌های نخبگان استقبال می‌کند و آنها را در دستور کار قرار می‌دهد. مهم‌ترین نیازهای امروز جامعه است که در همین راستا یکی از برنامه‌های ویژه هوشمندسازی و استفاده از هوش مصنوعی است. هدف از برگزاری این نشست‌ها حمایت از نخبگان بسیجی است که این بار بنا بر ورود نخبگان جهت پیشرفت و هوشمندسازی شهر یاسوج بوده و در همین راستا بسیج سازندگی با تأمین مکان اجرای این پروژه پیشقدم شده است. در صورت اجرای این طرح بیش از ۲۰ خدمت به شهروندان ارائه می‌شود و اجرای این طرح در شهر یاسوج به عنوان نخستین شهر هوشمند ایران باعث افتخار برای استان کهگیلویه و بویراحمد خواهد بود.

سردار حسین حسین زاده فرمانده سیاه محمدرضا رسول الله تهران بزرگ



### برگزاری رزمایش بزرگ کمک مؤمنانه

رزمایش بزرگ «کرامت‌علوی ۲» در آستانه کنگره ملی ۲۴ هزار شهید پایتخت و به نیابت از ۲۴ هزار شهید پایتخت در تهران برگزار شد. با توجه به اهمیت زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان و ترویج این فرهنگ، باید در ابعاد مختلف به آن بپردازیم. در این رزمایش ۱۲۴ هزار بسته معیشتی، هزار و ۲۴۰ سری جهیزیه شامل یک تخته فرش، یک دستگاره فرگاز، ماشین لباسشویی و یخچال، ۲۴ هزار بسته لوازم تحریر به همت پایگاه‌های بسیج در مساجد بین خانواده‌های کمرتبر خوردار شهر توزیع شد. برای یادواره‌های محلی به صورت محله‌محور و منطقه‌ای ادامه خواهد داشت. در خصوص تولید محتوا، فعالیت‌های هنری و فرهنگی، تولید سرود، فیلم‌های کوتاه از بخش‌هایی از زندگی شهدای عزیزمان، تولید پوسترهایی و فعالیت‌هایی همچون بازی‌های موبایلی و فیلم‌های ۳۶۰ درجه از یادمان‌های شهدای این یادواره‌ها نیز کارهایی صورت می‌گیرد.

یاسولان

یاسولان